

اسب شناسی پژوهش (۸)

حسین مسرت^۱

اینکه در کشور ما، برخی از کارهای مهم و بنیانی، بدون پژوهش انجام می‌گیرد و یا کارگزاران آن بدون توجه به پژوهشهایی که انجام شده، کار خود را می‌کنند و سرانجام به شکست، بن بست و یا دوباره کاری و صرف هزینه‌های گزاف می‌انجامد.

همواره در مقایسه تطبیقی جایگاه پژوهش و پژوهشگران بین ایران و دیگر کشورهای مترقی جهان، سهم ایران در این عرصه ناچیز و یا کم دیده می‌شود.^۲ از این رو برای تشویق اهل علم و فرهنگ، دست به چاره‌اندیشی‌های گوناگون و گاه روبنایی مانند حمایت از پژوهش‌های برتر و پژوهشگران برجسته می‌زنند. اما در طول این سالیان کمتر به این موضوع توجه شده که آیا امکانات دسترسی پژوهشگران را به ابزارهای آن فراهم کرده‌ایم؟ آیا وسایل ترغیب محققانه آماده شده؟ و اینکه تاکنون چه گامهایی برای افزونی سهم ایران برداشته شده است. این نکته به خوبی روشن است که پژوهش در خلاء روی نمی‌دهد و باید ابزار آن فراهم شود.

هنگامی که دوستداران علم و فرهنگ با صدها ساعت پند و اندرز، به ضرورت پژوهش و تحول علمی و اساسی در ایران، برای رسیدن به پایه کشورهای مترقی جهان و قلّه‌های افتخار واقف می‌شوند و پی می‌برند که ژاپن و کره و دیگر کشورهایی که در جنگ جهانی دوم، به مرز نابودی رسیدند، تنها با پشتکار مردم و بر پایه کوشش، تلاش و

سالهاست در اهمیت و ضرورت پژوهش و تحقیق سخن‌ها گفته شده و مقالات و کتابها تدوین گردیده که شاید بهترین و جامع‌ترین آن کتاب کوچک اما سودمند پژوهش اثر زنده یار امیر حسین آریاییور باشد. به غیر از دهها کتاب که در زمینه آیین پژوهش و روش تحقیق نوشته شده، در زمینه علوم گوناگون، بیش از صد کتاب تحت عنوان پژوهش در علوم قرآنی، پژوهش در کشاورزی و... چاپ شده است. حتی چندین مجله با نامهای آینه پژوهش، پژوهش در علوم و صنعت و غیره هم چاپ می‌شود.^۳

و در همین راستا سازمانهای گوناگونی با نام سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران، پارک علم و فناوری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشکده تعلیم و تربیت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، و دهها سازمان و نگاه همانند تشکیل گردیده و همایش‌های گوناگونی در این باره برگزار شده و برای توجیه و تفهیم اهمیت آن، هر ساله جشنی با نام «پژوهش» برگزار می‌گردد و از پژوهشهای برتر استانی، کشوری، سازمانی و یا موضوعی خاص تقدیر و تشکر می‌شود. حتی بسیاری از سازمانها به تنهایی پژوهشگران برتر خود را شناسایی و ارجحزاری می‌کنند.

امروزه برای کوچکترین شهری که به ظاهر پیش پا افتاده می‌آید، مثلاً نحوه جمع‌آوری آب باران و برگ درختان، پژوهش‌های بنیادی صورت می‌گیرد. بگذریم از

۱. پژوهشگر متون ادبی و تاریخی و کتابدار کتابخانه وزیری یزد.

۲. دیگر آثار مهم چاپ شده شامل: آینه پژوهش، الفبای پژوهش، روش تحقیق و مرجع شناسی، پژوهش، پژوهش در علوم انسانی، پژوهش روشمند، پژوهش ترکیبی.

پژوهشنامه نویسی و پژوهش فرهنگی است.

۳. بنگرید: شفیع، سعید، پژوهش در ایران (مقایسه تطبیقی با کشورهای چین، هند، آلمان و ژاپن)، تهران: راه‌نوا، ۱۳۸۴.

پژوهش به جایگاهی رسیدند که کشورهای پیشرفته طیّ صدها سال رسیده‌اند، علاقمند به کارهای پژوهشی می‌شوند و موضوعی خاص را بر می‌گزینند، اینجاست که دشواریهای پژوهش در ایران، یکی یکی خودنمایی می‌کند و مصداق این سخن حافظ می‌شود: «که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها». چنانکه همگان می‌دانند یکی از مهمترین جایگاهها و ابزارهای پژوهش کتابخانه‌ها هستند و مهمترین دشواریهایی که پژوهشگران ایران بنابر تجربیات شخصی نگارنده در کتابخانه‌ها با آن روبرو هستند، شامل موارد ذیل می‌شود که برخی عوامل مانند سیاستهای فرهنگی، اجتماعی و آموزشی کشور، قوانین ادارات و وزارت خانه‌ها و چگونگی تأمین بودجه مراکز فرهنگی بویژه کتابخانه‌ها ناشی از تأثیرات بیرونی هستند، و برخی مانند تخصص، علاقمندی و آموزش و غیره درونی می‌باشند.

۱. کتابخانه‌های غیر پویا

بزرگترین دشواری فراروی پژوهشگران ایران، نبود کتابخانه‌های فراگیر، پویا، کارآمد و روزآمد است. بسیاری از کتابخانه‌های ایران، بویژه کتابخانه‌های دولتی منابع جدید را ندارند، آمار کتاب برخی از این کتابخانه‌ها نه تنها افزایش نیافته، بلکه به دلیل وجین برخی کتابها، از رده خارج شدن کتابهای کم خواننده، غیر ضرور، زیانمند و مندرس (به دلیل نبود بودجه صحافی) کاهش هم یافته است. حتی برخی کتابخانه‌ها مجوز فروش کتابهای زائد خود را هم گرفته و چه بسیار کتابهای سودمند که به دلیل ناآگاهی کتابداران آن زائد تشخیص داده شده و فروخته شده است.

عمده دشواری کتابخانه‌های ایران، نبود بودجه است که کتابخانه را از دسترسی به کتابهای جدید، بازداشته است و از این رو مراجعه کننده جدید ندارد. گویا هنوز نظام پرداخت چند در هزارم مالیات شهرداری‌ها به کتابخانه‌های عمومی، سامانمند نشده است.

این زیان حتی متوجه ناشران نیز می‌شود. زیرا عمده خریدار کتابهای مرجع و پایه کتابخانه‌ها هستند، و ناشر به دلیل حفظ سرمایه، رغبتی به چاپ کتابهای تحقیقی و پژوهشی پیدا نمی‌کند. وقتی ناشر، مطمئن باشد که حداقل ۱۰۰۰ جلد از این کتابها را کتابخانه‌ها خریداری می‌کنند، اندیشه‌ای برای فروش مابقی کتابها هم پیدا می‌کند.

عدم استقبال ناشر از چاپ این گونه کتابها، خسارت آن را متوجه نویسندگان و پژوهشگر می‌کند. زیرا وقتی حاصل پژوهش نویسنده‌ای را ناشر چاپ نکند، طبعاً او نیز دیگر

دست به چنین کاری نمی‌زند. یا از خیر این کار می‌گذرد و یا دنبال نگارش و تدوین کتابهای بازاریبند و پر فروش می‌رود.

به این ترتیب دیده می‌شود که این عوامل به صورت چرخه زنجیره‌ای در پیوند با هم هستند که گسست هر کدام، منجر به فروپاشی کل زنجیره می‌شود.

۲. عدم وجود تالار ویژه پژوهشگران

بسیاری از کتابخانه‌های ایران علیرغم داشتن منابع خوب، سرمایه کافی، ساختمان مجهز و تجهیزات کتابخانه‌ای، فاقد مکانی مناسب و دلپذیر برای پژوهشگران مانند تالار ویژه محققان است. این تالارها نه تنها باید مهم منابع مرجع را به طور کامل در اختیار داشته باشد، بلکه باید با دارا بودن میزهای تک نفره ویژه که محلی برای قراردادن کتابهای خاص هر پژوهشگر در آن تعبیه شده، شرایط بهره‌وری آسان و بی دردسر پژوهشگران را فراهم کند، یعنی همان کاری که اکنون کتابخانه مرکزی آستان قدس می‌کند. حتی می‌تواند کاغذ و قلم و دیگر لوازم تحریر در اختیار آنان بگذارد. و دیگر امکانات جنبی پژوهش و اطلاع‌رسانی، مانند کیب، تکثیر، کامپیوتر، سرویس اینترنت را نیز دارا باشد.

همچنین کتابخانه‌ها یا مراکز فرهنگی می‌توانند برای پژوهشگران، اعم از سازمانی یا انفرادی، کارت ویژه تالار صادر کنند.

۳. کمبود کتابداران آگاه، دلسوز و متخصص

معمولاً روش یکسان و تعریف شده‌ای برای استخدام و به کارگیری نیروهای کارآموده، علاقمند و آشنا به کار در کتابخانه‌ها وجود نداشته و کماکان وجود ندارد. بسیار دیده می‌شود که در کتابخانه‌ها افرادی با مدرک دیپلم مشغول به کار هستند که هیچ آشنایی نه تنها با پژوهش و تحقیق که حتی با کتاب هم ندارند. بنابر بررسی‌های نگارنده، بیشتر این افراد ابتدا درخواست استخدام ادارات و سازمانهای گوناگونی را نموده‌اند و از بخت بد پژوهشگران و یا شاید خودشان، قرعه فال به نام کتابخانه خورده است، حتی بسیاری از آنان از وضعیت کنونی خود ناخرسند هم هستند و می‌گویند: ای کاش لااقل در شرکت گوشت استخدام شده بودیم و هفته‌ای چند کیلو گوشت بدون چربی و مرغوب داشتیم یا اگر در بانک بودیم تاکنون چند وام کلان گرفته بودیم و الخ (الی آخر).



به این گونه افراد که هیچ علاقه‌ای به شغل شریف خود ندارند و در پاسخ مراجعین، تنها با انگشت، اشاره به برگه‌دان می‌کنند و با گرفتن شماره‌ای، کتاب را می‌آورند. کتاب آر می‌گویند نه کتابدار.

این وضعیت به گونه‌ای دیگر در کتابخانه‌هایی که افراد متخصص کتابداری هم دارند، دیده می‌شود که به نحوه و میزان پرداخت حقوق، مزایا و امکانات سازمانی بر می‌گردد. معمولاً یا حقوق و مزایای کتابداران کم است و آنان ناچار به کار در مشاغل خدماتی، دلالی و فروشندگی در ساعات غیر اداری می‌شوند، که هم خستگی آور است و هم دردسرساز و مشغله ساز که گاه شغل فرعی و جانبی بر شغل اصلی که کتابداری باشد، چیره گشته و تمام فکر و ذهن را به خود مشغول می‌دارد، و یا اینکه به دلیل علاقه‌ای که به کار کتابداری دارند، به شغل‌های کاذب و دلالی نمی‌پردازند که این امر منجر به تحمل سختی بارگرانی، خانه بدوشی و مشکلات معیشتی می‌شود که ذهن آنها فرصت اندیشیدن، مطالعه و پرداختن به امور مورد علاقه را نمی‌دهد. و فرد، مجبور است علی‌رغم میل باطنی، پاسخ مراجعین را با دلسردی و گاه با تندی بدهد و آن گونه که دلخواهش است نتواند هادی و راهنمای خوبی برای جویندگان دانش و بینش باشد.

هنگامی که کتابدار، فراغ بال نداشته باشد، نمی‌تواند به مطالعه و تحقیق بپردازد تا همواره اطلاعات خود را به روز کند و بتواند به بهترین نحو در خدمت مراجعان بوده و کارگشا و راهگشا باشد و نیروی جاذبه‌اش بر نیروی دافعه‌اش بچرید. بگذریم از اینکه برخی کتابداران آموزش دیده نه بر اساس خواسته و عشق، بلکه بر پایهٔ ثبت نام در رشته‌ای به ظاهر آسان در کنکور و رسیدن به مدرک عالی کتابدار شده‌اند و حضور فیزیکی در کتابخانه و آوردن و بردن کتاب را نهایت کار خود می‌دانند.

ممکن است بسیاری از کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی، دارای کتابداران آگاه و خیره باشند، اما به دلیل کمبود بودجه و یا عدم شناخت و توجه مدیران آن و عدم آگاهی از قوانین جاری ایفلا و استانداردهای تعیین شده، با کمبود کتابدار روبرو هستند. و باز در اینجا کتابدار متعهد به دلیل خستگی ناشی از کار زیاد و پاسخگویی به مراجعین و کاستن از بار خستگی، ناچار به پاسخ دادن‌های سرسری و بعضاً نشان دادن برگه دان است، چون به هر حال طاقت و توان آدمی، حدی دارد. و دلسوزی بر مراجعان مساوی خواهد بود با خستگی فراوان و بیماری جسمی خود کتابدار.

۴. آموزش ناکافی

دیده می‌شود که در کتابخانه‌هایی که نیروهای آموزش دیده کتابداری هم دارد، به دلیل آنکه بسیاری از کتابداران به کلی با شیوه پژوهش، ابزار، منابع و کتب مرجع بیگانه‌اند و در طول دوران آموزش کتابداری، هیچ کار پژوهشی نکرده‌اند، نمی‌توانند راهنمای پژوهشگران باشند. در این زمینه خوب است دوره‌های کوتاه مدت آشنایی با روش تحقیق، شناخت کتابهای مرجع و پایه در علوم مختلف، دانشنامه‌ها، فرهنگها، کتابشناسی‌ها و چگونگی برخورد با پژوهشگران و نوجویان، هم برای کتابداران متخصص و هم برای نیروهای تجربی کتابداری و کارمندان گذاشته شود تا همگی بتوانند کتابدار راهنما یا مرجع شوند.

۵. عوامل بازدارنده

محققان تاریخ علم، عوامل گوناگونی را بر می‌شمارند که پیش گیرندهٔ رشد، گسترش و شکوفایی علم و تحقیق هستند. موانعی هم چون رژیم‌های سیاسی، استبداد، نظام اجتماعی، نابرابری، بیماری نظام اداری و فرهنگی حاکم، مقررات دست و پا گیر اداری، وضعیت نابسامان نظام آموزشی و دانشگاهی و بیسوادی و یا کم سوادی برخی استادان دانشگاهها که به دلیل پرهیز از گستردگی بحث از ذکر آن چشم پوشی می‌شود که خود حدیثی دیگر است و مجال دیگری می‌طلبد.

نتیجه:

اکنون که با دشواریهای فراراه پژوهشگران، آشنایی حاصل شد، بهتر می‌توان با رفع این دشواریها و کاستی‌ها زمینه‌های دسترسی بهتر و آسان‌تر مراجعان را به کتابخانه‌ها فراهم کرد. چکیده آنچه گفته شد، در زیر می‌آید:

۱. گسترش و تجهیز کتابخانه‌ها به کتابهای روزآمد، کارآمد و پایه.
۲. به کارگیری کتابداران آموزش دیده، آگاه و دلسوز.
۳. رعایت استانداردهای ایفلا دربارهٔ هم‌خوانی میزان کتابدار با تعداد کتاب.
۴. ایجاد فضایی دلپذیر برای پژوهشگران و تجهیز اتاقهای پژوهش به کتب پایه و ابزار نوین پژوهش و اطلاع رسانی اعم از رایانه و امکان ارتباط با شبکه جهانی و ...